

جایگاه شهر بوکان در توسعه یافتگی استان آذربایجان غربی بر اساس مدل رتبه بندی

ناصر محمدخانی^۱

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل تفاوت های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی در سه شهر ارومیه، بوکان و نقده در استان آذربایجان غربی و شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه نابرابر است. این پژوهش با استفاده از داده های معتبر اقتصادی (تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ بیکاری، سرانه سرمایه گذاری)، اجتماعی (نرخ سواد، مشارکت اجتماعی) و زیربنایی (دسترسی پذیری به حمل و نقل، تأمین آب و انرژی، مقاوم سازی مسکن) به تحلیل وضعیت این شهرها پرداخته است. نتایج نشان داد که ارومیه با بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه، پایین ترین نرخ بیکاری و شاخص های برتر آموزشی و بهداشتی، قطب اقتصادی و اجتماعی استان است. در مقابل، بوکان با چالش هایی در جذب سرمایه گذاری و توسعه زیرساخت ها روبه رو است. نقده نیز با پایین ترین تولید ناخالص داخلی و بالاترین نرخ بیکاری، وضعیت ضعیفی دارد و نیاز به توجه ویژه در بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی دارد. همچنین، نابرابری های منطقه ای در دسترسی به منابع زیربنایی و اجتماعی مشهود است، به طوری که ارومیه بهترین امکانات زیربنایی را دارا است، در حالی که بوکان و نقده با مشکلات در تأمین منابع انرژی، آب و حمل و نقل مواجه هستند. پژوهش بر لزوم اجرای برنامه های توسعه متوازن و تقویت زیرساخت ها، ایجاد فرصت های شغلی و بهبود شاخص های اجتماعی تأکید دارد تا نابرابری ها کاهش یابد و رشد پایدار در سطح استان تحقق یابد. علاوه بر این، پیشنهاد می شود که در کنار اقدامات زیرساختی، توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز در دستور کار قرار گیرد. ایجاد نهادهای مؤثر و تقویت مشارکت مردمی در فرآیند توسعه می تواند به پایداری این تحولات کمک کرده و زمینه ساز توسعه ای همه جانبه و عادلانه در این مناطق شود.

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، آذربایجان غربی، مدل رتبه بندی، شهر بوکان

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، جغرافیا، برنامه ریزی شهری Nasehmohammadkhani831@Gmail.Com

The position of Bukan city in the development of West Azerbaijan province based on the ranking model

Naseh Mihammadkhani²

Abstract

The aim of this study is to analyze the economic, social, and infrastructural differences in the three cities of Urmia, Bukan, and Naghdah in West Azerbaijan Province and to identify the factors affecting unequal development. This study uses reliable economic (GDP per capita, unemployment rate, investment per capita), social (literacy rate, social participation), and infrastructural (access to transportation, water and energy supply, housing resilience) data to analyze the situation of these cities. The results showed that Urmia, with the highest GDP per capita, the lowest unemployment rate, and superior educational and health indicators, is the economic and social hub of the province. In contrast, Bukan faces challenges in attracting investment and developing infrastructure. Naghdah, with the lowest GDP and the highest unemployment rate, is also in a weak position and needs special attention to improve economic and social conditions. Also, regional inequalities in access to infrastructure and social resources are evident, with Urmia having the best infrastructure facilities, while Bukan and Naghdeh face problems in providing energy, water, and transportation resources. The research emphasizes the need to implement balanced development programs and strengthen infrastructure, create job opportunities, and improve social indicators in order to reduce inequalities and achieve sustainable growth at the provincial level. In addition, it is suggested that, along with infrastructure measures, attention be paid to cultural and social issues. Creating effective institutions and strengthening public participation in the development process can help sustain these developments and pave the way for comprehensive and equitable development in these regions.

Keywords: Development, West Azerbaijan, Ranking Model, Bukan City

2 . PhD student, Islamic Azad University, Malayer Branch, Geography, Urban Planning
Nasehmohammadkhani831@Gmail.Com

توسعه‌یافتگی، یکی از موضوعات محوری در برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری، به معنای ایجاد تعادل در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی است (صادقی، ۱۳۹۸). در این میان، تحلیل جایگاه شهرها در فرآیند توسعه‌یافتگی نقش مهمی در شناسایی نابرابری‌ها و برنامه‌ریزی برای رفع آنها دارد. استان آذربایجان غربی با تنوع جغرافیایی و فرهنگی، یکی از استان‌های مهم ایران در حوزه توسعه منطقه‌ای محسوب می‌شود؛ اما تفاوت‌های چشمگیری در میزان توسعه‌یافتگی شهرهای این استان مشاهده می‌شود. در این میان، شهر بوکان به‌عنوان یکی از شهرهای پرجمعیت و تأثیرگذار، جایگاه ویژه‌ای در توسعه استان دارد. بررسی جایگاه این شهر در توسعه‌یافتگی استان، از طریق تحلیل شاخص‌های مختلف و استفاده از مدل‌های رتبه‌بندی، می‌تواند اطلاعات مهمی برای تصمیم‌گیری‌های آتی ارائه دهد (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰). شهر بوکان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود در جنوب استان آذربایجان غربی و برخورداری از منابع اقتصادی، زیرساخت‌های شهری و سرمایه‌های انسانی، یکی از نقاط بالقوه برای توسعه پایدار منطقه‌ای به شمار می‌رود. با این حال، عدم توازن در توزیع منابع و خدمات، توسعه این شهر را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. بر اساس مطالعات انجام‌شده، توسعه‌یافتگی در استان آذربایجان غربی به شدت تحت تأثیر تمرکزگرایی در مراکز استانی و شهرهای بزرگ‌تر مانند ارومیه قرار دارد، در حالی که شهرهایی مانند بوکان علی‌رغم ظرفیت‌های موجود، از توجه کافی برخوردار نبوده‌اند (رضایی و عباسی، ۱۳۹۷). این مسئله، ضرورت تحلیل جایگاه شهر بوکان در توسعه‌یافتگی استان را بیش از پیش برجسته می‌کند. مسئله اصلی تحقیق این است که بوکان در میان شهرهای استان آذربایجان غربی، با وجود ظرفیت‌های متعدد توسعه‌ای، چه جایگاهی در فرآیند توسعه‌یافتگی استان دارد و چه عواملی بر این جایگاه تأثیرگذار هستند (صفری و کیانی، ۱۳۹۹). این تحقیق از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا می‌تواند نابرابری‌های موجود در سطح استان را روشن کرده و زمینه‌ای برای برنامه‌ریزی متوازن منطقه‌ای فراهم آورد. هدف اصلی این پژوهش، ارزیابی جایگاه توسعه‌یافتگی بوکان در مقایسه با سایر شهرهای استان و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن است. سؤال اصلی پژوهش این است که: شهر بوکان بر اساس شاخص‌های توسعه‌یافتگی و با استفاده از مدل‌های رتبه‌بندی چه جایگاهی در استان آذربایجان غربی دارد؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند به تصمیم‌سازان در تدوین سیاست‌های مؤثر برای بهبود وضعیت این شهر و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای کمک کند.

یکی از ابزارهای رایج در تحلیل توسعه‌یافتگی شهرها، استفاده از مدل‌های رتبه‌بندی است که امکان ارزیابی شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی را فراهم می‌آورند (مرادی،

۱۳۹۹). این مدل‌ها با تحلیل داده‌های کمی و کیفی می‌توانند میزان پیشرفت یا عقب‌ماندگی هر منطقه را نشان دهند و به برنامه‌ریزان منطقه‌ای در شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها کمک کنند (یزدانی و نیکو، ۱۳۹۶). برای مثال، تحلیل شاخص‌های زیربنایی مانند دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، سرانه آموزشی، و خدمات بهداشتی-درمانی می‌تواند اطلاعات مهمی برای ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی ارائه دهد. در این میان، بوکان به دلیل ظرفیت‌های منحصربه‌فرد، از جمله نیروی انسانی تحصیل کرده و موقعیت جغرافیایی ویژه، می‌تواند از جمله شهرهایی باشد که در صورت برنامه‌ریزی مناسب، به یکی از قطب‌های توسعه استان تبدیل شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، نابرابری در توسعه‌یافتگی میان شهرهای استان آذربایجان غربی، به‌ویژه در مقایسه میان بوکان و مراکز پرجمعیت‌تر مانند ارومیه، نشان‌دهنده مشکلات ساختاری در سیاست‌گذاری منطقه‌ای است. این نابرابری‌ها نه تنها مانع توسعه پایدار استان می‌شوند، بلکه موجب مهاجرت نیروی کار و سرمایه از شهرهای کوچک‌تر به مراکز استان شده‌اند (کریمی، ۱۴۰۰). این روند در بلندمدت می‌تواند تأثیرات منفی بر توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع در سطح استان داشته باشد. بنابراین، ضرورت دارد با بهره‌گیری از مدل‌های علمی و تحلیل داده‌های آماری، جایگاه شهر بوکان به‌دقت ارزیابی شود تا بتوان راهبردهای مناسبی برای کاهش این نابرابری‌ها طراحی کرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷). در این پژوهش، با استفاده از مدل‌های رتبه‌بندی و تحلیل شاخص‌های مختلف توسعه، سعی شده است جایگاه شهر بوکان در توسعه‌یافتگی استان آذربایجان غربی مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی نه تنها به روشن‌تر شدن وضعیت فعلی این شهر کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای تحلیل توسعه در سایر شهرهای مشابه مورد استفاده قرار گیرد. امید است یافته‌های این تحقیق بتواند در طراحی سیاست‌های منطقه‌ای مؤثر باشد و مسیر توسعه پایدار را برای شهر بوکان و استان آذربایجان غربی هموار سازد.

روش پژوهش

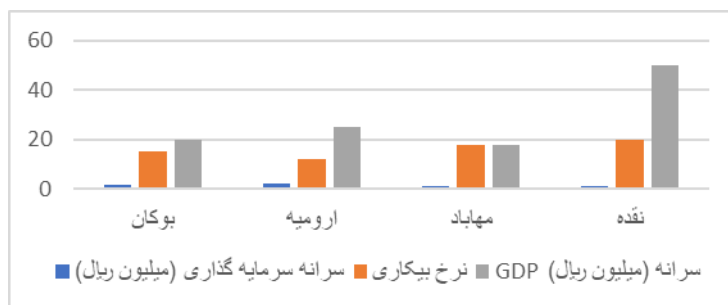
این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کمی و کیفی به ارزیابی جایگاه شهر بوکان در توسعه‌یافتگی استان آذربایجان غربی پرداخته است. در این راستا، ابتدا شاخص‌های مختلف توسعه‌یافتگی شامل شاخص‌های اقتصادی (مانند نرخ اشتغال و تولید ناخالص داخلی سرانه)، اجتماعی (مانند سطح سواد و دسترسی به خدمات بهداشتی)، زیربنایی (مانند دسترسی به شبکه حمل‌ونقل و زیرساخت‌های انرژی)، و فرهنگی (مانند نرخ مشارکت فرهنگی) تعریف و به تفکیک بررسی شدند. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق از منابع معتبر

ملی نظیر مرکز آمار ایران، سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان غربی و نتایج سرشماری‌های عمومی کشور جمع‌آوری شده است. همچنین، به‌منظور مقایسه توسعه‌یافتگی شهر بوکان با سایر شهرهای استان، از مدل‌های رتبه‌بندی چندمعیاره نظیر مدل تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و تکنیک وزن‌دهی بر اساس روش آنالیز شانون استفاده شده است (مرادی، ۱۳۹۹؛ کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

برای تحلیل داده‌ها، ابتدا وزن هر شاخص با استفاده از روش‌های کمی تعیین و سپس رتبه‌بندی شهرهای استان بر اساس این وزن‌ها انجام شد. همچنین، برای تفسیر دقیق‌تر نتایج، داده‌های حاصل از مدل‌های رتبه‌بندی با استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل آماری مانند SPSS و GIS مورد پردازش و تجسم قرار گرفتند. تحلیل فضایی با کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) امکان شناسایی تمرکزهای منطقه‌ای و نابرابری‌های توسعه را فراهم ساخت و بر اساس این تحلیل، جایگاه بوکان در مقایسه با سایر شهرها به‌طور دقیق مشخص شد. در نهایت، با توجه به نتایج حاصل، پیشنهادهایی برای ارتقای سطح توسعه‌یافتگی بوکان و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای ارائه شد که می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های محلی و منطقه‌ای باشد.

جدول ۱- شاخص‌های اقتصادی

شهر	GDP سرانه (میلیون ریال)	نرخ بیکاری (%)	سرانه سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)
بوکان	20	15	1.5
ارومیه	25	12	2.0
مهاباد	18	18	1.3
نقده	16	20	1.2



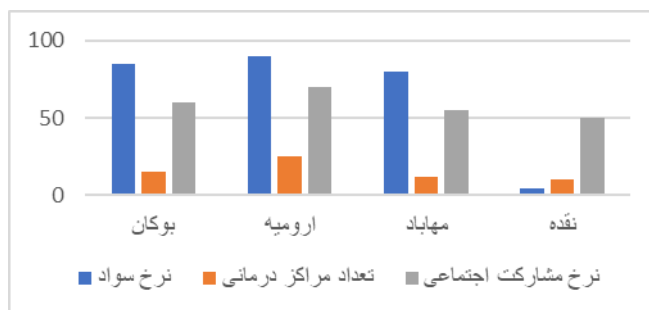
نمودار ۱- شاخص‌های اقتصادی

در بررسی تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه، ارومیه با ۲۵ میلیون ریال جایگاه برتری در میان شهرهای استان آذربایجان غربی دارد. این رقم بالا نشان‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی متنوع‌تر، زیرساخت‌های قوی‌تر و جذب سرمایه‌گذاری بالاتر در ارومیه است که آن را به مرکز اقتصادی استان تبدیل کرده است. در مقابل، بوکان با ۲۰ میلیون ریال در جایگاه دوم قرار دارد. این عدد نشان می‌دهد که اقتصاد بوکان به طور نسبی پویا و روبه‌رشد است، اما فاصله ۵ میلیون ریالی با ارومیه بیانگر ضعف در جذب سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و توسعه صنایع محلی است. نقده با تولید ناخالص داخلی ۱۶ میلیون ریال در پایین‌ترین سطح قرار دارد. این امر می‌تواند ناشی از محدودیت‌های زیرساختی، کمبود فرصت‌های شغلی و عدم توجه کافی به سیاست‌های توسعه اقتصادی در این شهر باشد. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تمرکز توسعه اقتصادی در ارومیه و نابرابری منطقه‌ای در استان است.

از منظر نرخ بیکاری نیز تفاوت‌های قابل‌توجهی مشاهده می‌شود. ارومیه با نرخ بیکاری ۱۲٪ پایین‌ترین میزان را در میان شهرها دارد که بیانگر فرصت‌های شغلی بیشتر، توسعه بخش‌های خدماتی و تولیدی، و شرایط بهتر اقتصادی است. بوکان با نرخ بیکاری ۱۵٪ در سطحی متوسط قرار دارد، اما این میزان هشداردهنده است و نشان می‌دهد که ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط باید در اولویت قرار گیرد. نقده با نرخ بیکاری ۲۰٪ بالاترین میزان بیکاری را تجربه می‌کند، که ضرورت اجرای سیاست‌های فوری برای ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد. علاوه بر این، در بخش سرانه سرمایه‌گذاری نیز ارومیه با ۲ میلیون ریال پیش‌تاز است، که تأثیر مستقیمی بر توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های جدید داشته است. بوکان با سرانه ۱.۵ میلیون ریال عملکردی نسبتاً بهتر از مهاباد و نقده دارد، اما برای رقابت با ارومیه نیازمند جذب سرمایه‌های بیشتر و گسترش ظرفیت‌های اقتصادی خود است.

جدول ۲- شاخص‌های اجتماعی

شهر	نرخ سواد (%)	تعداد مراکز درمانی	نرخ مشارکت اجتماعی (%)
بوکان	85	15	60
ارومیه	90	25	70
مهاباد	80	12	55
نقده	78	10	50



نمودار ۲- شاخص‌های اجتماعی

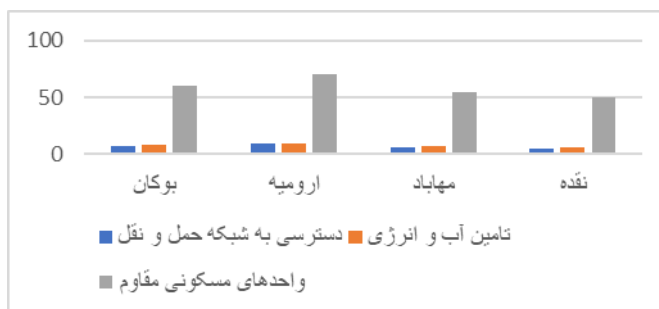
نرخ سواد به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی، تفاوت‌های قابل‌توجهی را در شهرهای مورد بررسی نشان می‌دهد. ارومیه با نرخ سواد ۹۰٪ در بالاترین رتبه قرار دارد که این موفقیت به دلیل دسترسی گسترده‌تر به امکانات آموزشی از جمله مدارس، دانشگاه‌ها و برنامه‌های حمایتی دولت در این شهر است. این رقم بیانگر سرمایه‌گذاری پایدار و برنامه‌ریزی دقیق برای افزایش آگاهی و تحصیلات عمومی است. بوکان با نرخ سواد ۸۵٪ عملکرد مطلوبی دارد و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در بخش آموزش در این شهر تأثیرگذار بوده است. با این حال، فاصله پنج درصدی با ارومیه نشان‌دهنده لزوم ارتقای کیفیت آموزش و پوشش بیشتر است. در مقابل، نقده با نرخ سواد ۷۸٪ پایین‌ترین جایگاه را دارد که این امر می‌تواند ناشی از ضعف زیرساخت‌های آموزشی، پراکندگی جمعیت یا کمبود منابع آموزشی باشد. این شرایط

نیازمند توجه ویژه از سوی سیاست‌گذاران به منظور کاهش نابرابری‌ها و افزایش دسترسی به آموزش است.

در حوزه سلامت، تعداد مراکز درمانی به عنوان شاخصی از دسترسی به خدمات بهداشتی مورد بررسی قرار گرفت. ارومیه با ۲۵ مرکز درمانی پیش‌تاز است که این رقم علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، توانسته نقش مؤثری در افزایش سطح سلامت عمومی و کاهش بیماری‌های قابل پیشگیری داشته باشد. بوکان با ۱۵ مرکز درمانی در رتبه دوم قرار دارد و اگرچه عملکرد مناسبی دارد، اما با توجه به رشد جمعیت، نیاز به توسعه زیرساخت‌های درمانی و بهبود خدمات بهداشتی همچنان احساس می‌شود. نقده با تنها ۱۰ مرکز درمانی، کمترین دسترسی به امکانات درمانی را دارد که می‌تواند اثرات منفی بر شاخص‌های سلامت جمعیت این شهر داشته باشد. در زمینه مشارکت اجتماعی نیز ارومیه با نرخ ۷۰٪ از مشارکت فعال شهروندان در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بهره‌مند است. بوکان با نرخ مشارکت ۶۰٪ جایگاه مناسبی دارد، اما فاصله ۱۰ درصدی با ارومیه نشان‌دهنده لزوم طراحی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی جامع‌تر برای افزایش مشارکت عمومی است. نقده با مشارکت اجتماعی پایین‌تر، بازتابی از ضعف در تعاملات اجتماعی و فرهنگی بوده و نیازمند تقویت فعالیت‌های اجتماعی برای ارتقای همبستگی اجتماعی است.

جدول ۳- شاخص‌های زیربنایی

شهر	دسترسی به شبکه حمل‌ونقل (امتیاز)	تأمین آب و انرژی (امتیاز)	واحدهای مسکونی مقاوم (درصد)
بوکان	7	8	60
ارومیه	9	9	70
مهاباد	6	7	55
نقده	5	6	50



نمودار ۳- شاخص‌های زیربنایی

شاخص‌های زیربنایی به عنوان پایه‌ای‌ترین عوامل توسعه‌یافتگی، در تحلیل عملکرد شهرهای استان آذربایجان غربی، تفاوت‌های مهمی را نشان می‌دهند. دسترسی به شبکه حمل‌ونقل به عنوان یکی از عناصر کلیدی زیرساخت، در ارومیه با امتیاز ۹ در بالاترین سطح قرار دارد. این نشان‌دهنده وجود جاده‌های مناسب، دسترسی به مسیرهای اصلی و سیستم حمل‌ونقل کارآمد است که به توسعه اقتصادی و اجتماعی شهر کمک کرده است. بوکان با امتیاز ۷ در رتبه دوم قرار دارد، که اگرچه وضعیت خوبی محسوب می‌شود، اما نشان‌دهنده نیاز به گسترش و بهبود بیشتر زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری و بین‌شهری است. این ضعف نسبی می‌تواند بر دسترسی به بازارها، جذب سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شهر تأثیر منفی بگذارد. نقده با امتیاز پایین‌تر، احتمالاً از کمبود مسیرهای حمل‌ونقل باکیفیت و عدم توسعه مناسب زیرساخت‌های جاده‌ای رنج می‌برد، که مستلزم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری جدی در این حوزه است.

در شاخص تأمین آب و انرژی، ارومیه و بوکان با امتیازهای بالا نشان‌دهنده ثبات و پایداری در دسترسی به منابع انرژی و تأمین آب هستند. این امر به رشد پایدار و کاهش بحران‌های زیربنایی در این دو شهر کمک کرده است. در مقابل، نقده با امتیاز ۶ ضعف قابل‌توجهی در این زمینه دارد، که می‌تواند ناشی از کمبود منابع محلی، زیرساخت‌های ناکافی یا مدیریت ضعیف منابع باشد. از منظر واحد‌های مسکونی مقاوم، ارومیه با ۷۰٪ واحد‌های مقاوم، بهترین عملکرد را نشان می‌دهد، که به دلیل اجرای دقیق‌تر استانداردهای ساخت‌وساز و سیاست‌های تشویقی برای مقاوم‌سازی است. بوکان با ۶۰٪ عملکرد خوبی دارد، اما همچنان نیاز به اقدامات بیشتری برای مقاوم‌سازی و پیشگیری از آسیب‌های ناشی از زلزله یا بلایای طبیعی دارد. نقده با درصد پایین‌تر، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر بلایا دارد و به تلاش‌های گسترده‌تری در این حوزه نیازمند است. در مجموع، بوکان در شاخص‌های زیربنایی وضعیت مطلوبی دارد، اما برای ارتقای شبکه حمل‌ونقل، افزایش سطح مقاوم‌سازی و بهبود دسترسی به منابع پایدار، باید برنامه‌های توسعه‌ای دقیق‌تری تدوین و اجرا شود.

نتایج و بحث

نتایج تحلیل شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای استان آذربایجان غربی نشان‌دهنده تفاوت‌های قابل‌توجه در سطح توسعه و توانمندی‌های اقتصادی میان شهرها است. ارومیه به عنوان مرکز اقتصادی استان با بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه و پایین‌ترین نرخ بیکاری در جایگاه برتری قرار دارد. این امر نشان‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی متنوع، سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و زیرساخت‌های قوی‌تر در ارومیه است که آن را به موتور محرکه اقتصادی استان تبدیل کرده است. در مقابل، بوکان با تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ بیکاری متوسط، شرایط نسبتاً پویاتری نسبت به دیگر شهرها دارد، اما با فاصله معناداری از ارومیه، نشان‌دهنده نیاز این شهر به تقویت زیرساخت‌ها و جذب بیشتر سرمایه‌گذاری است. نقده با پایین‌ترین تولید ناخالص داخلی سرانه و بالاترین نرخ بیکاری، در جایگاه ضعیف‌تری قرار دارد که نیاز به توجه فوری در جهت بهبود شرایط اقتصادی، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌گذاری‌های بیشتر را می‌طلبد.

در شاخص‌های اجتماعی، ارومیه همچنان پیش‌نماینده است. نرخ سواد ۹۰٪ در ارومیه، به‌ویژه با توجه به زیرساخت‌های آموزشی مناسب و برنامه‌های حمایتی، این شهر را به مرجع توسعه انسانی در استان تبدیل کرده است. این در حالی است که بوکان با نرخ سواد ۸۵٪ عملکرد نسبتاً خوبی دارد، ولی برای رسیدن به سطح ارومیه نیازمند بهبود کیفیت آموزشی و توسعه پوشش‌های آموزشی است. نقده با نرخ سواد ۷۸٪ در پایین‌ترین جایگاه قرار دارد که نیازمند توجه ویژه به زیرساخت‌های آموزشی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی در این زمینه است. در حوزه سلامت نیز ارومیه با تعداد بالای مراکز درمانی و مشارکت اجتماعی بالا، وضعیت بهتری دارد و توانسته نقش مهمی در ارتقای سلامت عمومی ایفا کند. بوکان با ۱۵ مرکز درمانی و نقده با ۱۰ مرکز درمانی،

به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار دارند که نشان‌دهنده نیاز به توسعه زیرساخت‌های درمانی در این دو شهر است.

شاخص‌های زیربنایی نیز گویای نابرابری‌های جدی در سطح استان هستند. ارومیه با بهترین دسترسی به شبکه حمل‌ونقل، تأمین آب و انرژی پایدار، و بالاترین درصد واحدهای مسکونی مقاوم، به عنوان الگوی زیربنایی در استان به شمار می‌آید. بوکان در این شاخص‌ها وضعیت نسبتاً خوبی دارد، اما نیاز به تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها دارد. نقده با کمترین امتیاز در دسترسی به حمل‌ونقل و تأمین آب و انرژی، و درصد پایین‌تری از واحدهای مقاوم، نیازمند توجه ویژه به این زیرساخت‌ها است. به‌طور کلی، تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی نشان‌دهنده ضرورت تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای متوازن و هماهنگ در سطح استان برای کاهش نابرابری‌ها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی استان آذربایجان غربی نشان‌دهنده نابرابری‌های چشمگیر در توسعه شهری و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است. ارومیه با بالاترین تولید ناخالص داخلی سرانه، پایین‌ترین نرخ بیکاری، و بهترین شاخص‌های آموزشی و سلامت، به عنوان مرکزی اقتصادی و اجتماعی با توانمندی‌های برجسته در استان ظاهر شده است. این وضعیت نشان‌دهنده برخورداری ارومیه از زیرساخت‌های پیشرفته، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه و دسترسی مناسب به خدمات مختلف است که این عوامل را به موتور محرکه رشد و توسعه استان تبدیل کرده است. در مقابل، بوکان و نقده به رغم برخی نقاط قوت، نظیر عملکرد نسبی در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، همچنان با چالش‌های عمده‌ای روبرو هستند که نیازمند توجه ویژه در راستای توسعه پایدار و کاهش شکاف‌های موجود است.

از سوی دیگر، تحلیل تفاوت‌ها در نرخ بیکاری، شاخص‌های آموزشی، بهداشتی و زیربنایی نشان می‌دهد که استان به‌طور کلی با نابرابری‌های منطقه‌ای مواجه است. بوکان با فاصله قابل توجه از ارومیه در زمینه تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ بیکاری، نشان‌دهنده نیاز به تقویت زیرساخت‌ها، به‌ویژه در بخش‌های صنعتی و خدماتی است. نقده نیز با پایین‌ترین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در استان، در جایگاه ضعیف‌تری قرار دارد و برای ارتقاء سطح زندگی شهروندانش، به سرمایه‌گذاری‌های کلان، اصلاحات ساختاری و توجه ویژه به آموزش، بهداشت، و زیرساخت‌های حمل‌ونقل نیاز دارد. به عبارت دیگر، شکاف‌های توسعه‌ای در سطح استان باید با

رویکردی جامع و متوازن پر شود تا بتوان به رشد پایدار و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای دست یافت.

در نهایت، توجه به توسعه متوازن و استفاده بهینه از منابع موجود در سطح استان برای برطرف کردن مشکلات موجود در شهرهای با شرایط ضعیف‌تر، ضروری به نظر می‌رسد. برای تحقق این هدف، لازم است که برنامه‌های توسعه‌ای با تاکید بر ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی، و ارتقاء شاخص‌های زیربنایی در شهرهایی مانند بوکان و نقده تدوین و اجرا شوند. علاوه بر این، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأمین آب و انرژی، و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی باید در اولویت قرار گیرد تا با فراهم کردن شرایط بهتر برای زندگی شهروندان، شکاف‌های موجود در سطح استان کاهش یابد و به روند رشد پایدار دست یافت. در راستای پژوهش حاضر، پیشنهاداتی به منظور ارتقای توسعه متوازن در استان آذربایجان غربی ارائه می‌شود. نخست، لازم است که سرمایه‌گذاری‌های کلان در شهرهای با وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر، مانند نقده، افزایش یابد تا بتوان شرایط اشتغال و تولید را بهبود بخشید. دوم، توجه ویژه به توسعه زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی در این شهرها ضروری است تا نابرابری‌ها در دسترسی به خدمات بهبود یابد و سطح سواد و سلامت عمومی افزایش یابد. سوم، گسترش شبکه حمل‌ونقل و بهبود دسترسی به بازارهای اقتصادی در بوکان و نقده می‌تواند باعث جذب بیشتر سرمایه‌گذاری و تقویت اقتصاد محلی شود. در نهایت، اجرای سیاست‌های مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها به‌ویژه در شهرهایی با آسیب‌پذیری بالاتر در برابر بلایای طبیعی مانند نقده، می‌تواند ایمنی و پایداری این شهرها را در برابر بحران‌ها افزایش دهد و از آسیب‌های ناشی از بلایای طبیعی جلوگیری کند.

منابع

- احمدی، م. (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت توسعه‌یافتگی شهر بوکان در استان آذربایجان غربی. مجله توسعه منطقه‌ای، ۱۵(۲)، ۲۵۴-۲۳۴.
- حسینی، م. (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در استان آذربایجان غربی و راهکارهای توسعه پایدار. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۱۲(۳)، ۲۰۰-۱۸۴.
- کریمی، س. (۱۴۰۰). تأثیر مهاجرت نیروی کار از شهرهای کوچک‌تر به مراکز استان: مطالعه‌ای موردی در آذربایجان غربی. مطالعات اجتماعی، ۹(۱)، ۱۱۰-۹۰.
- کاظمی، م. (۱۴۰۰). مدل‌های رتبه‌بندی در تحلیل توسعه‌یافتگی شهری: مورد مطالعه بوکان. مجله پژوهش‌های شهری، ۱۷(۴)، ۴۶۵-۴۵۲.
- مرادی، ن. (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص‌های توسعه‌یافتگی و رتبه‌بندی شهرها با استفاده از مدل‌های چندمعیاره. مجله علوم جغرافیایی، ۲۲(۳)، ۱۲۵-۱۱۰.
- صادقی، ر. (۱۳۹۸). توسعه‌یافتگی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای: مفاهیم و چالش‌ها. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۲)، ۳۵-۲۳.

صفری، ح؛ کیانی، م. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص‌های توسعه‌یافتگی شهرهای استان آذربایجان غربی. پژوهش‌های منطقه‌ای، ۱۱(۱)، ۱۷۰-۱۵۴.

رضایی، ش، عباسی، ف. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر تمرکزگرایی بر توسعه اقتصادی استان‌های ایران: مورد مطالعه آذربایجان غربی. فصلنامه اقتصاد و توسعه، ۲۵(۴)، ۲۷۰-۲۵۳.

یزدانی، ب.، نیکو، م. (۱۳۹۶). مدل‌های رتبه‌بندی شهری: بررسی روند توسعه در شهرهای استان آذربایجان غربی. مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ۱۹(۲)، ۱۵۸-۱۴۲.